

شناسایی یا عدم شناسایی دیورند؟

فرزاد رضانی بونش

28-11-2012

مرکز بین المللی مطالعات صلح- ipsc

بیان رویداد:

عهد نامه دیورند در نوامبر سال 1893 میلادی بین هنری مارتیمر دیورند دیپلمات انگلیسی دولت بریتانیای هند و امیر عبدالرحمان خان افغانستانی به امضا رسید. هدف آن تعیین مرز میان افغانستان و هند بریتانیایی (از واخان و پامیر در شمال شرق تا مرزهای ایران) بود. به موجب این موافقت نامه افغانستان از ادعا بر مناطقی همچون سوات، باجور، چترال، وزیرستان و چمن صرف نظر کرد. پس از تشکیل دولت پاکستان (1947) با اینکه در افغانستان پادشاهانی همچون امیر امان اله خان، محمد نادرخان خط دیورند را به رسمیت شناخته بودند، اما به علت الغای آن از سوی مقامات افغانستان، بعد استقلال و بنیان کشور پاکستان این خط مرزی تبدیل به بستر اصلی درگیری و تنش میان دو کشور شد. امری که تا امروز نیز همچنان ادامه دارد. یعنی خط دیورند همچنان یکی از بسترهای مناقشه آفرین بین کشور افغانستان و پاکستان در بیش از نیم سده گذشته بوده و باعث فراز و نشیب زیادی در روابط خارجی دو کشور گردیده است. در همین راستا نیز اخیراً نیز سخنان گراسمن فرستاده امریکا در امور افغانستان و پاکستان و شناسایی این خط به عنوان یک مرز بین المللی به رسمیت در واقع باعث ایجاد دور دیگری از مخالفت ها و موافقت ها با عهدنامه دیورند شده است. در این نوشتار تلاش میشود تا بررسی دو دیدگاه مخالف و موافق شناسایی دیورند به بررسی و تحلیل چشم انداز معاهده دیورند و نقش آن در افغانستان بپردازیم.

تحلیل رویداد:

مخالفان شناسایی معاهده دیورند:

در واقع هر چند در سالهای گذشته پاکستان اعلام کرده که مساله دیورند، موضوعی حل شده است، اما در هفته های اخیر نیز با توجه به واکنش مقام های افغانستانی به سخنان مقامات امریکایی (در مورد شناسایی خط دیورند) جدا از سخنان کرزای (فرضی خواندن دیورند) عملاً بر سیاست رسمی حکومت افغانستان در مورد خط دیورند و به رسمیت نشناختن آن تاکید شده است. از این دیدگاه مخالفان هر گونه شناسایی معاهده و خط دیورند مرز کنونی پاکستان و افغانستان تصنعی است و حتی ناسیونالیست های پشتون ضدیت با این خط و معاهده را نماد عشق

به میهن و نشانه‌ی میهن دوستی به شمار می‌آروند. از این منظر مخالفان شناسایی دیورند با تکیه بر استدلال‌های حقوقی، تاریخی و سیاسی خود خواسته‌های گوناگونی داشته و حتی برخی بر آنند که پشتون‌های دوطرف خط دیورند را در سرزمینی بنام «پشتونخوا» یا «پشتونستان» گردآورده و دولت ملی خود را به وجود آورند. علاوه بر این از این نگاه معاهده دیورند، ماهیت حقوقی نداشته بلکه بر پایه زور، جبر و استعمار صورت گرفته و تحمیلی بوده است. همچنین این معاهده موقت و صد سال اعتبار داشته، به پایان رسیده و پارلمان افغانستان هم معاهده دیورند را لغو کرده است. اکنون نیز از این دید هر گونه شناسایی این معاهده عملاً نقض تمامیت ارضی افغانستان تلقی می‌گردد و پشتون‌های آن سوی خط دیورند را نادیده می‌انگارد. لذا دولت افغانستان باید با اصرار بر عدم شناسایی رسمی این خط قرارداد نوینی با پاکستان (یا به عبارتی پنجاب) امضا کند.

موافقان شناسایی معاهده دیورند:

در واقع از نگاه موافقان شناسایی این معاهده هر چند ممکن است این معاهده به زور و استعماری بوده باشد، اما اصرار بر عدم شناسایی آن بیش از آنکه خصلت ملی و وطنی باشد نگاهی قومی و پشتونی است. چرا که باید گفت در دو سده گذشته بسیاری از سرزمین‌های دیگر در شمال و... از افغانستان جدا شده است، اما مقامات افغانی و مخالفان شناسایی دیورند فقط از خط دیورند یاد میکنند. گذشته از این موافقان شناسایی دیورند با تکیه بر استدلال‌های حقوقی، تاریخی و... برای نظرند که این تنها پشتون‌ها نیستند که خطی به نام دیورند آنها را از هم جدا میکند بلکه بسیاری از کشورهای دیگر جهان، نیز اینگونه است. گذشته از این نیز افغانستان قبلاً با قرارداد صلح راولپندی و معاهده‌ی کابل دیورند را پذیرفته است. بعد از ایجاد پاکستان هم کابل پاکستان را به همین نام و ویژگی‌ها به رسمیت شناخته و مرزهای افغانستان و پاکستان از طرف سازمان‌های بین‌المللی از جمله ملل متحد، کشورهای دیگر به همین گونه به رسمیت شناخته شده است. به عبارتی ادعای عدم شناسایی مرز دیورند در حقیقت مداخله در امور پاکستان است و از نظر حقوق بین‌الملل نیز بی‌ارزش می‌نماید. در این تحلیل در واقع از زمانی که افغانستان در سال 1949 معاهده دیورند را یکجانبه لغو کرد در حقیقت پیامدهای ناگوار امنیتی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی داشته و عملاً جدا از تدویم دشمنی با پاکستان دستاورد چندانی به همراه نداشته است. در این تحلیل در واقع موافقان شناسایی معاهده و مرز دیورند هر گونه شناسایی رسمی این خط توسط افغانستان را دارای پیامدهای مثبت دانسته و برکاهش دخالت پاکستان در مسائل افغانستان و به افزایش توسعه و امنیت اشاره می‌کنند.

تداوم وضعیت کنونی و چشم انداز دیورند:

در ماه های گذشته هر چند برخی بر این نظر بودند که دولت افغانستان در حال فراهم کردن زمینه های شناسایی خط دیورند است، اما اظهارات رسمی مقام های افغان بیانگر تداوم رویکرد کابل در عدم شناسایی این معاهده و خط است. این امر هر چند با تلاش های عملی و حداکثری همراه نیست و در حقیقت در چند دهه گذشته کابل جدا از عدم شناسایی اعلانی در بسیاری از مواضع اعمالی خود مرزهای دیورند را به رسمیت شناخته است، اما همین عدم شناسایی اعلانی نیز تاکنون پیامدهای منفی ای برای افغانستان داشته و خواهد داشت. در این راستا عدم شناسایی دیورند به معنای ادعای سرزمینی بر سه چهارم خاک پاکستان و ایجاد هراس مداوم در بین ارتش و نهادهای امنیتی در اسلام آباد است. همین امر در چند دهه گذشته زمینه را برای دخالت پاکستان در افغانستان فراهم ساخته است. یعنی از نگاه نهادهای امنیتی پاکستان به هر میزان که افغانستان قدرتمند باشد به همان میزان هم داعیه عدم شناسایی دیورند را بیشتر مطرح میکند. لذا رویکرد افغانستان ضعیف همواره مد نظر مقامات پاکستان بوده و در این راستا هم تلاش کرده و میکنند. در این میان پاکستانی ها با توجه به تداوم وضعیت عدم شناسایی کامل توسط دولت افغانستان خط مرزی دیورند و حتی جنوب افغانستان را منطقه ای ویژه تلقی کرده و با پشتیبانی از گروهها و جریان های نظم ستیز (همانند طالبان) مانع از افزایش قدرت و حضور امنیتی و سیاسی کابل در این مناطق می شوند.

در این حال باید توجه داشت که با توجه به اینکه همه کشورهای جهان و سازمان های بین المللی پاکستان را به رسمیت می شناسند، ادعای ارضی بر خاک پاکستان و به رسمیت نشناختن 2640 کیلومتر مرز شناخته شده بین المللی میان دو کشور نه تنها در آینده پس از خروج نیروهای بین المللی از افغانستان شرایط را برای دخالت افزون پاکستان در افغانستان کاهش نمی دهد، بلکه اسلام آباد با توسل به دخالت کابل در مساله داخلی پشتون ها در پاکستان هر گونه مداخله در امور افغانستان را حق خود قلمداد خواهد کرد. در این تحلیل نه تنها دستیابی افغانستان و پاکستان به معاهده استراتژیک نوین سخت و سخت تر میشود بلکه از نگاه پاکستان مساله عدم شناسایی دیورند، مشکل بزرگی برای امنیت، ثبات، حاکمیت، استقرار، اقتدار و استقلال حاکمیت سیاسی در پاکستان بوده و از هر امری برای وادار کردن و ضعیف تر کردن افغانستان در سطح داخلی و بین المللی (از جمله بهبود رابطه با رهبران غیر پشتون افغانستان، بهره گیری بیشتر از طالبان و حتی تجزیه افغانستان) بهره خواهد برد.

در بعد دیگری در واقع تداوم وضعیت کنونی و عدم شناسایی رسمی معاده دیورند و مرز با پاکستان نیز همچنان مخالفتهایی داخلی در افغانستان را تداوم بخشیده است. چنانچه از نگاه بسیاری از گروهها و احزاب غیر پشتون در افغانستان عدم شناسایی مرز دیورند نه تنها مساله ای ملی نیست، بلکه نوعی نگاه پان پشتونی است و عملاً جدا از پیامدهای منفی بین المللی عدم شناسایی این امر پیامدهای منفی ای بر دیگر احزاب و گروه ای قومیتی داخل افغانستان دارد. در این راستا اکنون نیز بسیاری از تاجیک ها، هزاره ها، ازبک ها

و...خواهان شناسایی مرز دیورند هستند. چرا که شانه خالی کردن دولت و جریان های پشتونبستی قدرت در کابل از شناسایی خط دیورند افزایش نقش و قدرت غیر پشتون ها در افغانستان جلوگیری میکند. چه اینکه در رویای پشتونستان بزرگ در واقع این اقوام دیگر هستند که نادیده گرفته میشوند. علاوه بر این امر اکنون نیز عدم شناسایی دیورند باعث نامشخص بودن شهروندان کشور شده است. چرا که هر چند مطابق دوم ماده چهارم قانون اساسی، تابعیت افغانستان در حیطه جغرافیایی این کشور متصور شده است اما همچنان نیز شماری از سیاستمداران افغانستانی، ساکنان آن سوی دیورند را نیز شهروندان افغانستان می دانند. این امر نه تنها در معادلات انتخاباتی و تقسیم قدرت تاثیر گذار است بلکه عملاً نقش سایر اقوام در این کشور را کاهش می دهد و پیامدهای منفی عدم شناسایی مرز دیورند بر تمام گروه ها در کشور اثر می گذارد.